



بسیج
دانشجویی
پردیس زینبیه
شهرستان های
استان تهران



با همکاری بسیج
دانشجویی
پردیس زینبیه

دوماهنامه‌ی ادبی- تربیتی- اجتماعی
نبض حیات / شماره سیزدهم /
پاییز ۱۴۰۲ / پردیس زینبیه پیشوا



سخن سردبیر

اصالت فرهنگ و اهمیت تعلیم و تربیت یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و یکی از جهت‌گیری‌های بنیادین آن است.

طبق فرموده امام راحل، حضرت آیت الله خمینی(ره) بنای ما بر اختصار است. انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است. اسلام، اساساً یک فرهنگ است و انقلاب اسلامی که برای تحقق اسلام در جامعه آغاز شده در حقیقت برای احیای یک فرهنگ معنوی در مقابل فرهنگ‌های مادی به وجود آمده است. هدف اصلی انقلاب اسلامی، «انسان‌سازی» و تربیت انسانی است که با گوهر معنوی وجود خود که حقیقت وجود اوست آشنا باشد و معنویت را غایت مسیر حیات خود بداند. از آنجا که غایت و غرض اصلی از انقلاب اسلامی، تربیت انسانی_ اسلامی است؛ «تعلیم و تربیت» به عنوان ابزار و نظامی برای نیل به این مقصود اهمیت و اصالت پیدا می‌کند. بینش اسلامی و فرهنگ اسلامی از طریق «تعلیم و تربیت» آموزش داده می‌شود و گسترش پیدا می‌کند. بنابراین طبق فرموده‌ی امام، در تعلیم و تربیت اسلامی، «تزکیه مقدم بر تعلیم است» و اهمیت این معنی به اندازه‌ای است که می‌فرمایند «اگر تهذیب در کار نباشد علم توحید هم به درد نمی‌خورد» با چنین نگرشی به تعلیم و تربیت است که می‌فرمایند: «تعلیم و تعلم عبادت است» در نظر امام، آموزش و پرورش «کارخانهٔ آدم‌سازی است». تعلیم اگر مبتنی بر تربیت اسلامی باشد می‌تواند ما را از وابستگی فکری و سایر وابستگی‌ها نجات دهد. جامعهٔ اسلامی و مسلمانان جهان باید از طریق تعلیم و تربیت مجد و عظمت گذشته خود را باز یابند. از این روی، ضروری است دست اندرکاران تعلیم و تربیت دینی و به خصوص نظام تربیتی کودکان به این امر توجه نشان داده و مانع از غرب‌زدگی آنان شوند.

نسرین سعادت

سردبیر نشریه‌ی اجتماعی- تربیتی- ادبی نبض حیات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه:

دوماهنامه‌ی ادبی- تربیتی- اجتماعی نبض حیات/ شماره سیزدهم/ آذر ۱۴۰۲

با همکاری بسیج دانشجویی پردیس زینبیه.

صاحب امتیاز: نسرین سعادت

مدیر مسئول و سردبیر: نسرین سعادت

نویسندگان: نسرین سعادت، مهدیه نوری، معصومه اصلانی، کیمیا غیور، محدثه پازوکی،

فاطمه هداوند میرزایی، مریم سارابه، ستایش احمدوند، زهرا امیری، محدثه اردی، محدثه عسکری،

حانیه علی اکبرنواهی، زینب ابوالحسنی، زهرا شیخی

صفحه آرا: مرضیه انبری

طراح لوگو: هانیه ملکی

ویراستار: نسرین سعادت

تصویرگران: عاطفه سنگیان، مبینا حاجی‌مزدارانی

نشانی دفتر نشریه: پردیس زینبیه پیشوا، ساختمان آموزش، طبقه اول، واحد فرهنگی پردیس زینبیه.

نوع چاپ: چاپی- الکترونیکی

کانال اطلاع رسانی بسیج دانشجویی: @mashgh_rah

@nabzehayat_cfu

@nabzehayatnh

فهرست:

- ۱..... سخن سردبیر
- ۲..... غزه حجت نابودی صهیونیسم
- ۵..... غزه از نگاه رسانه
- ۶..... تربیت رسانه‌ای
- ۹..... تربیت رسانه‌ای کودکان
- ۱۲..... ارتقای معلم تعالی تربیت
- ۱۶..... معلم ماندگار
- ۱۸..... شهید اسلامی فر؛ الگوی معلمی
- ۲۰..... تشویق و تنبیه، دو مولفه تربیتی
- ۲۲..... یک فنجان کتاب، تربیت کودک
- ۲۳..... از نامه‌ها، نامه سوم
- ۲۴..... مریبان ره عشق





برای جهان و مسیر نابودی اسرائیل با وحشیگری‌های به‌یادماندنی در تاریخ توجه دارم و می‌خواهم به این اتمام حجت اشاره کنم و تداوم ایستادگی غزه و تکالیف جهانی مسلمانان و همه ملل در یاری به ایستادگی. ظهور عیان وحشیگری صهیونیست‌ها که مردم جهان و حتی اسرائیلی‌ها را برانگیخت یک معنا بیشتر ندارد. اتمام حجت برای نابودی اسرائیل! و ضرورت عمل همه سوبه علیه اسرائیل.

▼ تحقق وعده خدا

صحنه غزه، صحنه ظهور امروزین حیات آیات قرآن مجید برای اکتونیان مؤمنان و پیدایی مجدد درستی معرفت و هدایت آن است. همه آنچه آن روز از ناسپاسی بنی‌اسرائیل و جریان سامری‌اش و کذاب بیان کرده، امروز در صحنه نمایش اسرائیل در حال اجراست. همه وعده‌ها و آینده‌ای که قرآن مجید پیش‌بینی کرده، دارد رخ می‌دهد. همه ناجوانمردی مردمی بی‌ایمان، جنایتکار، بی‌حیثیت و خبیث که برای منافع خود دست به هر کاری می‌زنند، صحتش آشکار و عیان پیش چشم‌هاست. اسرائیل در غزه با عملش اسناد عینی و متقن ضرورت محوش را ارائه می‌دهد. حتی غربگرایان و کسانی که شعار می‌دادند نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران، امروز از فاجعه غزه نتیجه می‌گیرند که اسرائیل برخلاف تمامی موازین حقوق بین‌المللی و حقوق‌بشری رفتار می‌کند. به استثنای نوکران اسرائیل، اربابان و رسانه‌های صهیونیستی. اسرائیل پدیده فاجعه‌آفرینی است که باید به عملش خاتمه داد. و برکات

▼ نقطه‌عطف کنونی

غزه، امروز کانون توجه جهان است و همه از شیاطین، اربابان ظالم بین‌المللی جنایت، اشغالگران درنده و دولت‌های همدست و گروه‌های سیاسی ابزار و چاکر و مزدور قدرت‌های ستمگر و دوست اسرائیل، غربگرایان دچار فساد نگاه و اپوزیسیونی که همه‌چیزش را باخته تا رفرمیست‌های دل دو جای داخلی که پشت ماسک ایران‌دوستی‌شان اخراج دین از صحنه سیاست به سود مدرنیت و خواست غرب نهان است و همواره در جست‌وجوی بهانه‌ای برای نیش زدن به اسلام انقلابی هستند و... گرفته تا نیروهای آزاده: مردم غزه و فرماندهان و رهبران مقاومت و انقلابیون اصیل، مؤمنان به اسلام و عاملان به هدایت و وعده قرآن، دوستان فلسطین مظلوم، میلیاردها انسان و ملل مستضعف و ستمدیده از سلطه سرمایه‌داری جهانی و ضدقدرت‌های جائر و رهبران دینی ربانی و مبارزان عدالت‌خواه و رسانه‌های معتبر و گمنام جهان و نیروهای اهل ایمان در فضای مجازی و شبکه‌های مختلف اجتماعی و... همه و همه با نگاه‌های متفاوت و گاه متضاد دارند درباره فلسطین و غزه و طوفان‌الاقصی صحبت می‌کنند. این یعنی آن‌که این رخدادی عظیم و دارای تبعات بزرگ است. باید ابعاد آن را شکافت. خود ابعاد و عناوین گسترده و بزرگ موضوعاتی که این عملیات مسبب مطرح شدن جهانی‌شان شد، گواه کم‌مانندی یا بی‌همتایی این نبرد و نقطه‌عطف کنونی است.

▼ طنین اعظم حقانیت

طوفان‌الاقصی بازگشت‌ناپذیر است و هر واکنش رژیم صهیونیستی به سند درندگی و مجوز نابودی اسرائیل بدل می‌شود. اکنون غزه فقط با هدایت و وعده قرآن می‌تواند به پیروزی برسد با بندگی ناب. با شجاعت و استقامت با قدرت و اتکال به خدا که رعب در دل دشمنان خدا می‌افکند و نیروی مؤمنان را برتری می‌دهد و در پیشروی تنها به رهبری قرآنی و امام‌الزمانی نایب ولی‌عصر(عج) ولی‌فقیه دل دارن و با شجاعت و یقین اجرا کردن جهاد قرآنی- تا همین جا بازتاب نبرد غزه در جهان طنین اعظم حقانیت فلسطین و ناممکنی حیات صهیونیسم ظالمانه بوده و رسانه‌ها آینه این امر و حقانیت مبارزه مردم غزه‌اند.

▼ طوفانی که از خون حاج‌قاسم برانگیخت

موضوع برکات طوفان‌الاقصی، روح این نبرد و ارکان فراموشی‌ناپذیر این برکات وحدت، معجزه و معمای رخ داده‌شده و نقش پنهان و ممتد حاج‌قاسم و طراحی او، همه و همه باید مکررا بیان شود اما اکنون من به وجه اتمام حجت غزه و اثبات وجوب حذف صهیونیسم



غزه، حجت نابودی صهیونیسم

نویسنده: نسیم سعادت
تصویرگر: مینا حاجی‌مزدارانی

خائن به حضرت موسی علیه‌السلام افتاده در تمام قرون به کار ویرانی ارض و انسان رفته است و در آخرالزمان از این علم، جادو و سحر برای جنگ با پیامبر خاتم و اوصیای او صلوات ... علیهم از امیرمؤمنان تا امروز مهدی موعود سوءاستفاده شیطانی می‌کنند تا مانع عدل موعود(عج) جهانی شوند و قدرت استکباری و جهانی یهود را حفظ کنند. غصب فلسطین هدف اصلی‌اش این جنایت علیه بشریت مظلوم است و وعده قطعی ظهور بدون مقدمه نابودی صهیونیسم رخ نمی‌دهد و اینان از همین‌رو دچار جنون کشتار مردم مسلمان فلسطین‌اند و نمی‌دانند همین جنون، همان تقدیر مرگ و اتفاق آرای مردم کره زمین دال بر حذف‌شان را پایه‌ریزی می‌کند. خشونت وحشیانه علیه غزه دارای همان مرگ محتوم صهیونیسم است.

هر روز که می‌گذرد، ورق تازه‌ای از ضرورت پایان دادن به بازی پر از جنایت و حماقت جهان سرمایه‌داری و سیاه‌پیشه کفر غرب یعنی تأسیس رژیم اسرائیل به ضرب کشتار و غصب و فتنه و فریب در فلسطین تشدید می‌شود. این ضرورت از ماهیت ضدبشری و دفاع‌ناپذیری خشونت یهودیت سامری صهیونیستی این اشغالگر وحشی برمی‌خیزد و ماهیت بحران‌آفرین آن.

▼ مقدمه نابودی صهیونیسم

اما حقیقت آن است که این ظاهر ماجراست. طی سال‌ها بارها تأکید کردم یهودیت جهانی سامری با نیت پنهان، خیمه خیانت در سرزمین مقدس برافراشته است. علوم غریبه هاروت و ماروت که به چنگ قدرت‌پرستان یهود و



غزه از نگاه رسانه

نویسنده: مهدیه نوری تصویرگر: عاطفه سنگیان

پرداخت رشوه کرده‌اند تا حمایت خود از فلسطین را بردارد. از سوی دیگر ما در فضای رسانه‌ای فارسی زبان نیز شاهد فعالیت این دلارهای آغشته به خون کودکان غزه هستیم.

(۴) متا بزرگترین صفحه خبری «فلسطینی» به نام Eye On Palestine را در اینستاگرام حذف کرد. این حساب ۶ میلیون دنبال کننده از سراسر جهان داشت.

(۵) هلال احمر فلسطین: قطع کامل اینترنت و ارتباطات مانع رسیدن به موقع آمبولانس میشود.

(۶) جنبش جهاد اسلامی: رژیم صهیونیستی ارتباطات را درغزه قطع کرده است تا جهان از آنچه در غزه میگذرد مطلع نشود.

(۷) گروه هکری عصای موسی تصاویر دوربین‌های مشرف بر مقر موساد و یگان ۸۲۰۰ رژیم صهیونیستی را منتشر کرد/ اطلاعات شخصی، اطلاعات خانوادگی، نام تیپ، واحد و مسئولیت بخش بزرگی از یگان‌های مرکزی و ذخیره‌های نظامی رژیم صهیونیستی در دست هکرهاست.

(۸) رژیم صهیونیستی در مقابل هکرها مستقل همزمان با افزایش جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌گناه غزه، هکریهایی از سراسر جهان تاسیسات و زیرساخت‌های رژیم اشغالگران را هدف قرار داده‌اند. آن‌ها بیمارستان‌های فلسطین را بمباران می‌کنند و هکرها بیمارستان‌های رژیم صهیونیستی را هک می‌کنند. این نبردی نابرابر است.

(۱) ارزیابی کارشناسان غربی از پیچیدگی‌های اطلاعاتی طوفان الاقصی: پیچیدگی و گستردگی عملیات «طوفان الاقصی» که از نوار غزه بزرگترین زندان دنیا انجام شده بود، باعث حیرت تحلیلگران غربی شده است. رژیم صهیونیستی سال‌ها در زمینه هک و تجهیزات الکترونیکی سرمایه‌گذاری گسترده‌ای داشته؛ با این‌حال طوفان الاقصی نشان داد حتی در قوی‌ترین رژیم نظارتی جهان نیز نقاط کور اجتناب‌ناپذیری وجود دارد. طوفان الاقصی ثابت کرد که اتکا به برتری فناوری و نظارت همه‌جانبه نمی‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را فراهم کند.

(۲) رژیم صهیونیستی سال‌ها در زمینه هک و تجهیزات الکترونیکی سرمایه‌گذاری گسترده‌ای داشته؛ با این‌حال طوفان الاقصی نشان داد حتی در قوی‌ترین رژیم نظارتی جهان نیز نقاط کور اجتناب‌ناپذیری وجود دارد. رافائل مارکوس، پژوهشگر گروه مطالعات جنگ کینگز کالج لندن: این حمله نشان دهنده شکست عظیم اطلاعاتی ارتش اسرائیل، شین بت و آژانس امنیت داخلی است.

(۳) رژیم صهیونیستی برای کنترل افکار عمومی در شبکه‌های اجتماعی علاوه بر اقدامات مخفیانه و پشت پرده (مانند زد و بند با شبکه‌های اجتماعی) اقدام به پول‌پاشی برای در اختیار گرفتن سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها کرده است. به‌طور مثال یک اینفلوئنسر بریتانیایی با نام سارا واتسون (Sara Watson) می‌گوید که اسرائیلی‌ها به او پیشنهاد



▼ آنچه باید در غزه دید

اما درباره ادامه نبرد فلسطین، باید دیگر همه گوش‌های شنوا و چشم‌های بینا دانسته باشند، غزه نه با رهبری لیبرال، نه رهبری سکولار، نه رهبری اسلام آمریکایی، نه با تحجر و نه با جنون خشونت داعشی ضدشیعه و نه با فکر خائنانه چاکران انگلیس، شیطان بزرگ و همدستان ناتو و اهل فساد و نه کشورهای تحت قیمومیت آمریکا نجات می‌یابد. فلسطین به دست فلسطینی‌های مؤمن به خدا، قرآن، وحی و راسخان در علم الهی آزاد خواهدشد و همه خداپرستان و آزادگان با اتحاد بر گرد حق تعالی، فلسطین و جهان را از شر شیاطین و فرعون‌ها و مستکبران رها خواهندکرد. البته با واسطه راسخان در علم الهی و امداد امام زمان(عج) و گوش سپردن به عالم علم آل محمد صلوات...علیه وآله و باور به قدرت شناختی روح تزکیه شده رها از قدرت‌خواهی و نفسانیت. اهل اسلام انقلابی در ایران یقین دارند دین با پیروی از رهبری دانا به دین و رابطه عقل و ایمان و تقوا و هدایت معصوم و امداد غیبی و الهی پیروز خواهدشد. همه تلاش برای حذف شیعیان از این نبرد و حذف معرفت و هدایت ولی فقیه در همین راز نهفته است. ادغام تزکیه، عقل، علم وعمل در نظام ولایت، همان است که طنین چاره‌ناپذیر مرگ صهیونیسم و یاری خدا در این کار در می‌افکند.

طوفان الاقصی هنوز در گام نخست ظهورش است. باش تا صبح دولتت بدمد. این ظهور حقیقت عالم غیب و آخرالزمان موعود است که دینش را می‌شنویم. در ایران، فلسطین، عراق، لبنان، سوریه، یمن، افغانستان و همه کشورهای اسلامی جریان درخشان ایمان تابش گرفته است. جوانان لاهوتی غوغا بپا کرده‌اند؛ کوران فساد و تباهی را می‌بینند و بهانه نومیدی می‌سازند و می‌پراکنند اما مؤمنان همراه همسازی علی‌اف‌ها و اردوغان‌ها و بن‌سلمان‌ها و شیوخ نفتی نیروی عظیم جهادگران و بندگان خدا را می‌بینند که در همه جهان سر برمی‌آورند و تشنه عزل موعود، جان فدا می‌کنند و لرزه بر کاخ ستم می‌افتد. خزا و وعده خدا و عالم غیب را شوخی و خیال و باری نگیرید. باش و بنگرید که سر رشته کار غایی پیامبر اعظم(ص) دست ولی... الاعظم(عج) است و رهروانش شکست ندارند. تردید نکنید که ساحران سامری یهود، صهیونیست‌ها خوب امام زمان(عج)، واقعیت او، اهداف و اصلاح ضدکفر، ظلم، شرک و نفاقش را می‌شناسند و با همه خیانت می‌کوشند جهان را به سیاهچاله ضد نیرالاعظم و ظهورش بدل سازند. اگر مسلمانان به اندازه آنان در امر ولایت و ظهور ولی... الاعظم(عج) یقین می‌داشتند و سر بر کفر، شرک و نفاق فرود نمی‌آوردند قرن‌ها بشریت تحت نظام شیطانی و ظلمانی اداره نمی‌شد و امروز هم چنین است.



رسانه‌ی مشابه مدرسه و مهارت

تربیت رسانه‌ای

نویسنده: فاطمه هداوند میرزایی



آموزش و پرورش مجبور است خودش «تربیت رسانه‌ای» را تعریف کند و شایستگی‌های مطلوب فرد تربیت‌یافته رسانه‌ای را مشخص کند.

لذا به نظر می‌رسد، آموزش و پرورش یا هر نهاد تربیتی دیگری که می‌خواهد مسئله مواجهه تربیتی متربیان با رسانه‌ها را سامان بدهد، مجبور است ضمن بازخوانی آموزه‌های «سواد رسانه‌ای» موجود، خودش «تربیت رسانه‌ای» را تعریف کند و شایستگی‌های مطلوب فرد تربیت‌یافته رسانه‌ای را مشخص کند.

اصل اول تغییر نگرش:

ما اینجا یاد می‌گیریم که چطور خودمان را از رسانه‌ها پس بگیریم!

بله درست خواندید، چطور خودمان را که یک جایی در رسانه جا گذاشتیم و هر مدلی که رسانه دوست دارد، با ما رفتار می‌کنند، را از رسانه‌ها پس بگیریم. سال گذشته به ما ثابت کرد که ما در تعامل با رسانه کاملاً منفعل هستیم و رسانه ما را به هر سمتی که دوست داشته باشد می‌کشانند، به همین خاطر باید از رسانه‌ها در جهت موفق شدن، در جهت رسیدن به دستاوردها و آرزوهایی که داریم استفاده کنیم.

مهم‌ترین هدف رسانه‌ها این است که بتوانند نگرش و دیدگاه مخاطب را نسبت به خود و پیرامون تغییر بدهند. رسانه‌ها با اثرگذاری مستقیم بر روی مغز می‌توانند این کار را انجام دهند و برای اینکه به این مهم برسند، باید قدرت تفکر، تعقل و اندیشه ما را از کار بیاندازند. رسانه‌ها می‌خواهند نگرش و دیدگاه ما را در ارتباط با ارزش‌ها، باورها و داشته‌های درست و مثبتی که هست از بین ببرند و آن چیزی که خودشان دوست دارند را به ما دیکته کنند. راهکاری که وجود دارد این است که ما در مواجهه با رسانه باید پرسشگر باشیم و نباید هرچیزی را به راحتی بپذیریم گرچه آن مطلب به نفع ما باشد.

اصل دوم برنامه ریزی:

مسئله‌ای که به ما کمک میکند تا ما در مواجهه با رسانه بهتر عمل کنیم و اجازه ندهیم رسانه انقدر مستقیم در زندگی ما اثر داشته باشد اصل برنامه ریزی است. به نقل از دکتر شکوری برنامه ریزی ۵۷ اصل دارد و به راحتی می‌توانیم با استفاده از آن امورات زندگی و اولویت‌های زندگی‌مان را مرتب بچینیم و براساس آن عمل کنیم.

حالا می‌خواهیم اصل ۷۵ برنامه ریزی را با هم مرور کنیم.

اصل اول: تحت هرشرایطی و به هر قیمتی به برنامه‌ای که می‌نویسید عمل کنید.

اصل دوم: تحت هر شرایطی و به هر قیمتی به برنامه‌ای که می‌نویسید عمل کنید.

اصل سوم: تحت هر شرایطی و به هر قیمتی به برنامه‌ای که می‌نویسید عمل کنید.

۵۴ اصل دیگر اصلاً مهم نیست، ۵۷ اصل برنامه‌ریزی می‌گوید که به هر قیمتی به آن نوشته‌ای که برنامه می‌گوییم عمل کنیم. گاهی وقت‌ها وسواس کمال‌گرایی در رسانه‌ها باعث می‌شود که ما یا برنامه‌ریزی نکنیم یا به برنامه‌ای که می‌نویسیم اصلاً اعتنایی نکنیم.

چند نکته خیلی مهم وجود دارد:

در برنامه‌ریزی باید حتماً توانمندی‌های خودمان، علاقه‌مندی‌هایمان، ذائقه‌هایمان را در نظر بگیریم، برنامه باید عادی باشد نه فرازمینی. درمواجهه با رسانه ما باید برنامه‌ریزی داشته باشیم که درطول روز، درطول هفته به چه میزان از رسانه‌ها استفاده کنیم. برای اینکه بتوانیم اینکار را انجام بدهیم؛ باید ۲۴ ساعت تعامل رسانه‌ای مان را با انواع رسانه‌ها روی کاغذ بنویسیم تا متوجه شویم تا چه میزان از رسانه‌ها استفاده می‌کنیم تا بتوانیم در برنامه ریزی آن را کم یا زیادش کنیم. نکته دوم دراصل برنامه‌ریزی در رسانه این است که ما باید نوع رسانه‌ای که استفاده می‌کنیم را انتخاب کنیم و ببینیم کدام نرم‌افزار رسانه‌ای، کدام برنامه رسانه‌ای بیشتر برای شما منفعت دارد و بیشتر شما را به سمت پیشرفت میبرد. پس از آن باید استفاده کنید، اگر قرار است سریال‌ها را حذف کنید و نبینید حتماً در برنامه‌ریزیتان بنویسید و به آن عمل کنید. نکته بعد اینکه ببینیم کدام گروه‌ها و کانال‌ها به ماکمک میکند نه صرفاً اطلاعات ما را زیاد کند؛ بلکه کمک میکند که به برنامه‌ها و اهدافمان نزدیک‌تر بشویم، آن گروه‌ها و کانال‌ها را نگه دارید و گروه‌ها و کانال‌های موازی یا گروه‌ها و کانال‌هایی که واقعا استفاده‌ای برای شما ندارند را حذف کنید.

اصل سوم تفکر انتقادی:

ما باید در ارتباط با پیام‌های رسانه‌ای، رفتارهای رسانه‌ای و کنش‌های رسانه‌ای منتقدانه رفتار کنیم، حتماً باید فکرکنیم و اجازه ندهیم رسانه آن مفهومی که مدنظر دارد را به ما القا کند. برای آنکه ما اینکار را بکنیم باید از پیام‌های رسانه‌ای خود پنج پرسش رسانه‌ای داشته باشیم که این پنج پرسش اصلی ممکن است برای هرکدام از ما پنجاه پرسش دیگر ایجاد کند.

سوال اول این است که: تولیدکننده، مولف یا نویسنده پیام یا مفهوم رسانه‌ای چه کسی هست؟ اگر بدانیم این مفهوم را چه کسی تولید کرده است هشتاد درصد قضیه حل می‌شود و ما می‌توانیم متوجه این بشویم که آن پیام قابل اعتماد است یا خیر؟

سوال دوم این است که: آن پیام چه هدفی را دنبال می‌کند؟ آیا این هدف به نفع بشریت و انسان‌ها است یا خیر؟

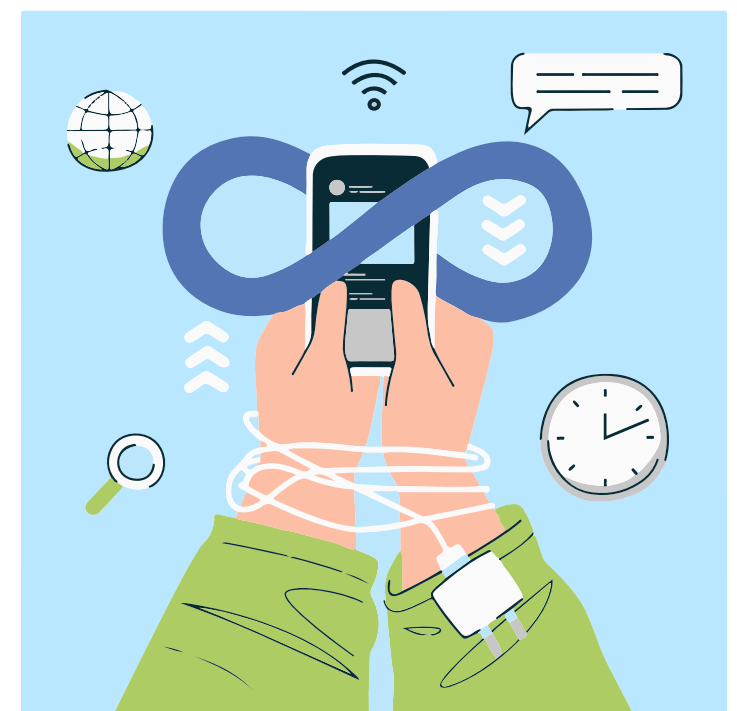
سوال سوم این است که: آن پیام یا مفهوم رسانه‌ای برای چه فرهنگی تولید شده است؟ آیا می‌شود این پیام‌ها را در همه گروه‌ها و کانال‌ها و جوامع منتشر کرد یا فقط برای جوامع خاصی تولید شده است؟

سوال چهارم این است که: آن پیام و مفهوم رسانه‌ای از چه طریقی به دست ما رسیده است؟ چرا که راه رسیدن پیام، اعتبار پیام را مشخص می‌کند.

سوال آخر: این پیام قرار است به دست چه کسی برسد؟ این پیام روی اقشار مختلف جامعه چه تأثیری می‌گذارد؟ آیا در تأثیرگذاری این پیام قومیت‌ها، نژاد، فرهنگ و دین تأثیری دارد؟ اگر تأثیری دارد پس چطور این پیام‌ها را در گروه‌ها و کانال‌هایی می‌فرستیم که ممکن است پسر، دختر، متاهل، مجرد، مسلمان و غیرمسلمان در آن گروه وجود داشته باشد و هرکس مفهوم خودش را از آن پیام برداشت کند؟ پس مهم‌ترین راه، در داشتن تفکر انتقادی این است که ما جرات پرسشگری داشته باشیم. اگر جرات پرسشگری داشته باشیم حتی از بدیهی‌ترین مسائل رسانه‌ای و حتی از مسائلی که به نظر ما کاملاً قطعی است انتقاد می‌کنیم.

اصل چهارم تکرار:

اصل تکرار یعنی رسانه با تکرار کردن مسائل جزئی و در نظر ما بی‌ارزش موضوعات بسیار مهمی را تغییر می‌دهد. فقط تنها کاری که میکند این است که نکات جزئی را همیشه یا اکثر مواقع تکرار می‌کند، در صورتی که ما منتظر نکات بسیار مهم، بزرگ و حیاتی هستیم. رسانه هیچ وقت نمی‌آید که درجا آن نکات را به ما بگوید، بلکه در طول زمان با بیان نکات جزئی و کوچک و در نگاه مخاطب کم



نکته اول این است که رسانه‌هایی که ما را چار مقایسه می‌کنند، کم رنگ‌تر کنیم و ببینیم کدام رسانه است که شما را دچار مقایسه می‌کند، جزئیات زندگی شما را با جزئیات زندگی دیگران مقایسه میکند. پس برای اینکه بتوانیم از این مقایسه فرار کنیم و اجازه ندهیم رسانه ما را در این موضوع درگیر کند حتماً باید انتخاب رسانه با ما باشد. پس این نکته یادمان باشد که رسانه‌ها ما را دچار مقایسه می‌کنند و در این مقایسه ذهن ما را کاملاً به هم میزنند و به همین خاطر هرکاری که دوست داشته باشند را می‌توانند با ما انجام بدهند. ما برای اینکه از این مقایسه فرار کنیم فقط باید به اصول اولیه‌ای که بیان شد عمل کنیم، با برنامه‌ریزی درست، با اولویت‌بندی درست بتوانیم جلوی این مقایسه‌ها را بگیریم که این مقایسه ما را از پا در می‌آورد.

و جمله آخر یادمان باشد که هیچ وقت فصل اول زندگی خودمان را با فصل چهارم زندگی دیگران مقایسه نکنیم.

ارزش با استفاده از تکنیک اصل تکرار موضوعات مهمی را جا می‌اندازد.

اصل پنجم مقایسه:

دنیا یک آگهی بازرگانی نیست، شاید دیده باشید که در آگهی‌های بازرگانی بچه‌ها در گل غلت می‌خورند و بعد مادر خوشحال است چون پودر لباسشویی دارد که لباس‌ها را از روز اول تمیزتر می‌شوید، یا در تبلیغ تن ماهی همه خوشحال در یک خانه بزرگ لوکس سرحال نشستند دور یک میز و دارند تن ماهی می‌خورند.

دوستان دنیا آگهی بازرگانی نیست، پودرهای ماشین لباسشویی انقدر تمیز نمی‌شویند، آدم‌ها انقدر خوشبخت نیستند. در دنیای واقعی رنج وجود دارد که اگر نداشت قرآن نمی‌گفت لقد خلقنا الانسان فی کبد: همانا انسان را در رنج آفریدیم.

اما رسانه چه کار میکند: رسانه با استفاده از اصل مقایسه ما را درگیر زندگی دیگران می‌کند، به ما می‌گوید که مدام خودت را، زندگی‌ت را با دیگرانی که بخشی از زندگیشان را با رسانه به اشتراک می‌گذارند مقایسه کن و این مقایسه ما را از پا در می‌آورد. چون ما بخش بد زندگیمان را با بخش خوب زندگی دیگران مقایسه میکنیم و حواسمان نیست که دنیا آگهی بازرگانی نیست.

پس بیایید از امروز یک کاری بکنیم: به هیچ‌وجه خودمان را درگیر مقایسه با بخشی از زندگی دیگران که در رسانه نمود پیدا میکند نکنیم، ماهم مشکل داریم، دیگران هم مشکل دارند. فقط مدل و نوع مشکلات فرق میکند، پس برای اینکه دچار این موضوع نشویم باید ۲ راهکار پیش رو بگیریم:

تربیت رسانه‌ای کودکان

● کلیات و اهمیت تربیت رسانه‌ای کودکان:

ما در عصری زندگی می‌کنیم که هر کسی می‌تواند به راحتی یک رسانه راه بیندازد و در آن، مطالب مختلفی منتشر کند و بیشتر مردم هم تحت تأثیر رسانه‌ها زندگی می‌کنند. رسانه‌ها با اهداف مختلفی ایجاد می‌شوند که لزوماً تمام این اهداف مفید و مثبت نیستند و بیشتر از آن چیزی که فکرش را بکنیم، رسانه‌ها بر افکار و نحوه‌ی تصمیم‌گیری ما اثر مستقیم دارند، پس لازم است که ما به کودکانمان سواد رسانه‌ای یاد دهیم تا آنها مخاطبان نکته‌سنج رسانه‌ای بشوند. آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان به چند دلیل اهمیت دارد:

۱) والدین با آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان می‌توانند آنها را به مخاطبان نکته‌سنج تبدیل کنند، یعنی ما تحلیل و ارزیابی موضوعات مطرح شده در رسانه‌ها را انجام می‌دهیم تا کودکان ما یاد بگیرند که در مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای چه عکس‌العملی نشان بدهند.

۲) سواد رسانه‌ای برای کودکان باعث می‌شود که آنها بتوانند مرز بین واقعیت و خیال را تشخیص بدهند و اینطور می‌شود که متوجه می‌شوند که از هر منبعی برای دریافت اخبار استفاده نکنند. کودکان هم مانند بزرگ‌ترها هر روز با حجم انبوهی از تبلیغات، اخبار جعلی و اطلاعات نادرست روبرو می‌شوند، حتی کودکان کوچکتر در معرض انواع مختلف رسانه هستند به همین دلیل کارشناسان توصیه می‌کنند که کودکان را هر چه زودتر با سواد رسانه‌ای آشنا کنید. آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان باعث می‌شود که آنها تفکر انتقادی یاد بگیرند و بتوانند منابع معتبر خبری را شناسایی کنند و همین امر باعث می‌شود که کودکان ما به مخاطبین باهوش که تصمیمات آگاهانه می‌گیرند تبدیل بشوند.



نویسنده: محدثه عسکری



● نکات آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان:

کنند و رسانه‌ها این کار را برای ما انجام ندهند.

نکته سوم: در آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان این هست که باید دنبال لحظه‌هایی باشید که آموزش موثرتر است. باید حواسمان به موضوعات روزمره باشد، چرا که این موضوعات می‌توانند شروع گفتگو با بچه‌ها درباره‌ی رسانه باشند برای مثال اگر در شبکه‌ی اجتماعی اطلاعات نادرستی دیدید با کودکان درمورد آن صحبت کنید. کودکان را به این فکر بی‌اندازید که ممکنه تیتراهای خبری فریبنده و دروغ باشند. همچنین به آنها کمک کنیم قبل از اینکه چیزی را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند یا برای کسی بفرستند، دقیق آن را بررسی کنند که از کجا اومده؟ چه کسی تولید کرده؟ محتوای آن چه هدفی را دنبال می‌کند؟

نکته چهارم: همراه کودکان مخاطب رسانه بشویم، تقریباً همه والدین می‌دانند که کتاب خواندن با فرزندان چه اهمیتی دارد، با آنها درباره‌ی تصاویر کتاب صحبت می‌کنند، کلمات کتاب را با هم می‌خوانند، درباره داستان آن نظر می‌دهند، درباره رسانه‌های دیگه هم مخصوصاً رسانه‌های دیجیتال باید همینطور باشد که به جای اینکه تبلت و گوشی به کودک دهیم تا با آن سرگرم بشود باید با او همراه شویم و درباره آنچه که می‌بینیم و آنچه که استفاده می‌کنیم، فواید، آسیب‌ها، با کودکان صحبت کنیم. همراه شدن با بچه‌ها در استفاده از ابزارهای رسانه‌ای باعث می‌شود که هم بتوانیم سواد رسانه ای آنها را ارتقا بدهیم و هم به طور نامحسوس نظارت و کنترل در استفاده از این ابزارها را داشته باشیم.

نکته پنجم: وقتی تبلت و گوشی را به کودکان می‌دهیم و می‌بینیم که ساکت و سرگرم شدند، ممکن است که با خودمان فکر کنیم که حالا می‌توانیم به کارهایمان برسیم اما غافلیم از این که این وسایل چقدر میتوانند برای

بچه‌های ما مضر باشند، کودکان ما باید تحرک داشته باشند، ورزش کنند، جنب‌وجوش داشته باشند و بازی کنند البته منظور بازی‌های فعال هست، نه بازی با گوشی و تبلت. وسایل الکترونیکی جلوی خلاقیت و هوش کودکان را می‌گیرند و مانع از یادگیری و اجتماعی شدن بچه‌ها می‌شوند. باید صدمات جسمانی از جمله تاثیر منفی در بینایی و همچنین آسیب‌های مهره‌های کمر را هم اضافه کنیم. ما سواد رسانه‌ای به کودکان آموزش می‌دهیم تا بتوانیم جلوی این آسیب‌ها را بگیریم یا این آسیب‌ها را به حداقل برسانیم.

نکته ششم: در اینترنت منابع اطلاعاتی بیشماری وجود دارد پس باید به کودکان یاد دهیم که چطور منابع معتبر را پیدا کنند، همچنین می‌توانیم به آنها رسانه‌های معتبر معرفی کنیم، وقتی کودکان بزرگتر می‌شوند به آنها کمک کنیم که منابع موثق خبری پیدا کنند. منابع موثر خبری چیست؟ منابع موثق خبری رسمیت دارند و از مراجع رسمی کشور دارای مجوز هستند و همیشه منابع خبری آنها شفاف است، قبل از اینکه به کودکان در دریافت منبع خبری کمک کنیم باید خودمان یاد بگیریم که چطور منابع معتبر را شناسایی کنیم؛ چطور منابع آموزشی، منابع خبری، منابع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در رسانه بتوانیم شناسایی کنیم و چطور می‌توانیم اصالت و هویت این منابع را بررسی کنیم. پس با شناخت این منابع می‌توانیم منابع معتبری به بچه‌ها معرفی کنیم که به واسطه‌ی آن منابع بتوانند خبرها، مطالب و یافته‌های رسانه‌ای درستی را مورد مطالعه قرار بدهند. ما تنها کسانی هستیم که میتوانیم به راحتی در موضوع رسانه به کودکان کمک کنیم؛ پس از هیچ کس دیگه انتظار نداشته باشیم ، باید این نکات و اصول را رعایت کنیم تا بتوانیم کودکان را قبل از سن مدرسه و قبل از اینکه پا به اجتماع بگذارند با رسانه و سواد رسانه‌ای آشنا کنیم.

● پرسشگری در کودکان:

کودکان ما چقدر پرسشگر هستند؟

در ارتباط با پیرامون خودشان و اتفاقاتی که رخ می‌دهد، چقدر سوال می‌کنند یا کورکورانه هرچیزی را می‌پذیرند. آموزش سواد رسانه به کودکان یکباره اتفاق نمی‌افتد، باید با کودکانمان از کودکی در این باره صحبت کنیم. خیلی از زمان‌ها می‌توانیم صحبت درباره‌ی رسانه‌ها را با سوال شروع کنیم؛ که همین امر باعث می‌شود که بچه‌های ما درباره‌ی رسانه‌ها بیشتر فکر کنند. برای مثال: سوال کنیم که این پست اینستاگرامی به نظر تو درست یا غلط است؟ چطور میتوانیم درسته یا غلط بودن این را به دست بیاوریم؟ به نظر تو هدف از این پست‌های اینستاگرامی چی هست؟ میشه متوجه شد که این پست توسط چه کسی تولید شده؟ این سوالات باعث می‌شوند که بچه‌های ما مکث کنند و به فکر فرو بروند. از قدرت فکرکردن، قدرت اختیار، قدرت انتخاب و ارادشون استفاده کنند.

همین سوالاتی جزئی و بعضاً در نگاه خیلی‌ها بی ارزش ؛ باعث می‌شود که بچه‌های ما در ارتباط با مطالب رسانه‌ها فکر کنند، همین فکر کردن کافیهست تا اثر رسانه برروی بچه‌های ما کم‌رنگ‌تر شود. پس ما باید از بچه‌هامون بخواهیم که در ارتباط با تمام پیامدهای رسانه‌ای سوال کند؛ از هر کسی که احساس می‌کنند می‌تواند به سوالشون پاسخ دهد. از پدر، از مادر، از برادر، از خواهر، از خود رسانه و از معلم، این باعث می‌شود که قدرت پرسشگری بچه‌هایمان تقویت شود و این پرسش که باعث می‌شود، ما هر چیزی را به راحتی نپذیریم و تحت تاثیر هر چیزی به راحتی قرار نگیریم.

چرا بچه‌های امروزی انقدر ناراضی هستند؟

ما چه زمانی راضی هستیم؟

آیا رضایت، فرمول خاصی دارد؟

تاثیر رسانه در این موضوع چقدر است؟

رضایت فرمول خیلی ساده‌ای دارد. رضایت مساوی با داشته‌های ما تقسیم بر خواسته‌های ما. رضایت برابر با واقعیت‌ها تقسیم بر توقعات. کودکان نسل امروز، داشته‌های بیشتری از نسل قبل دارند. اما چون توقع‌ها صدها برابر شده است همین باعث می‌شود که نارضایتی به وجود بیاید. رسانه باعث می‌شود این خواسته‌های ما به شدت افزایش پیدا کند. با استفاده از تکنیک‌های مختلف و روش‌های رسانه‌ای نشان دادن زندگی‌های ایده‌آل که ممکنه یک درصد جامعه، هم آن زندگی را نداشته باشند، باعث می‌شود که خواسته‌های ما و توقعات ما افزایش پیدا کند و همین می‌شود که ما داشته‌های خود را نمی‌بینیم و این حجم نارضایتی را بالا برده است. رسانه‌ها نمی‌توانند داشته‌های ما را بیشتر کنند اما دایماً توقعات و خواسته‌های ما را افزایش می‌دهند. کودکان ما دچار این موضوع شدند، داشته‌های خوبی دارند اما خواسته‌ها و توقعاتشان به واسطه‌ی رسانه دایماً در حال افزایش و این باعث می‌شود که بچه‌های امروزی انقدر ناراضی باشند.

راهکار چیست؟ ما باید سعی کنیم دو موضوع را در کودکانمان افزایش دهیم: ۱) باید سعی کنیم که کودکان ما صبر خود را افزایش دهند، که عجلانه رفتار نکنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که یک رسانه دارد، این هست که دارد تلاش می‌کند صبر من و کودکم را بگیرد و ما را عجلول تربیت کند. پس راهکار اول این هست که ما سعی کنیم با یک سری رفتارها صبر در کودکانمان را تقویت کنیم. ۲) باید شکرگزاری را به کودکانمان یاد دهیم. باید کودکان نسبت به اون چیزهایی که دارند ، شکرگزار باشند که اگر این طوری نباشد، خواسته‌ها و توقعات بچه‌های ما را، خود ما را، زندگی ما را، از پا در میارند، پس رضایت این هست که ما قدر داشته‌های خود را بدانیم و اجازه ندهیم که خواسته‌هایی که رسانه‌ها به ما دیکته می‌کنند یا توقعاتی که رسانه‌ها برای ما ایجاد می‌کنند، داشته‌های ما را هم از ما بگیرند.

ارتقای معلم، تعالی تربیت

معاونت رشد و کادرسازی

نویسنده: حانیه علی اکبرنواحی وزینب ابوالحسنی



این معاونت مکلف است در راستای ایجاد مبانی معرفتی، مأموریتی و تشکیلاتی در حیطه نظر و عمل گام بردارد و مجموعه اقداماتی را براساس اندیشه انقلاب اسلامی تعریف نماید.

در همین راستا معاونت رشد و کادرسازی مرکز بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، اقدام به تعریف و طراحی کار ویژه‌هایی کرده است که به اختصار توضیح داده می‌شود.

۱. دوره علمی تخصصی مسیر:

در این طرح متناسب با اهداف پیش روی انقلاب اسلامی و مأموریت ویژه معلمان، حداقل مفاهیم مورد نیاز جهت شروع جریان تحول خواهی، به اشتراک گذاشته می‌شود. متولی برگزارکننده این دوره دفاتر بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان می‌باشد.

سرفصل‌های این دوره:

معنا و ضرورت تحول، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، استعمار فرانو، منظومه فکری انقلاب در حوزه آموزش و پرورش، نقش‌آفرینی دانشجومعلمانی گامی به سوی شدن، در جستجوی هویت و معنای معلمی که در ۸ تا ۱۰ ساعت آموزشی برگزار می‌شود.

این دوره با نام و عنوانی متفاوت تر در پردیس زینبیه پیشوا در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ برگزار شد. عنوان این دوره، دوره تشکیلاتی-تربیتی مبعوث بود که به همراه تعدادی از دانشجو معلمان پردیس برگزار شد.

عناوین این دوره شامل:

مفهوم تشکیلات با ارائه استاد علیشیری
تجربه نگاری تشکیلاتی و نقش آفرینی دانشجو معلمان با ارائه استاد قائم پناه
و تعلیم و تربیت در اسلام با ارائه استاد نخعی

۲. دوره نظام مباحث آموزش و پرورش:

از آنجا که حرکت انقلاب اسلامی و تحقق اهداف والای آن وابسته به یک توجه جدی به عرصه تعلیم و تربیت است و از سوی دیگر آموزش و پرورش، مهم‌ترین بستر سرمایه گذاری دنیای مدرن جهت نهادینه سازی و توزیع مفاهیم تمدنی جدید شده است، لذا تحقق ایده‌های انقلاب در نظام آموزش و پرورش و ایجاد مفاهیم‌ای مبتنی بر لزوم جدال با فلسفه غرب در حوزه آموزش، مهم ترین هدفی است که در این دوره دنبال می‌شود تا به واسطه‌ی آن، جریان پویای معلمان نسل جوان انقلابی را به حرکت در راستای تحول سوق دهد. متولی برگزار کننده این دوره مرکز بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان می‌باشد.

سرفصل‌های دوره شامل:

مناسبات تمدنی غرب، سیر تحولات فکری و فرهنگی، جایگاه نظام آموزشی در مناسبات تمدنی غرب، سیر تحولات نهاد آموزش در غرب، چیستی چرایی و چگونگی تمدن اسلامی، مفهوم شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، سیر تحولات نهاد آموزش و پرورش، نظام مسائل آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آ.پ نقطه‌ای برای عزیمت.

این دوره در ۴۸ ساعت آموزشی برگزار می‌شود.

۳. دوره طرح ولایت:

در راستای تحکیم بنیان‌های اندیشه‌ای دانشجویان مؤمن و انقلابی سراسر کشور جهت حضور موثر در عرصه‌های فکری-فرهنگی جامعه؛ دوره آموزش مبانی اندیشه اسلامی (طرح ولایت) هر ساله با همکاری سازمان بسیج دانشجویی و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به دو صورت حضوری و غیرحضوری طراحی و اجرا می‌گردد. در این دوره سرفصل‌های شش گانه شامل «معرفت‌شناسی»، «خداشناسی»، «انسان‌شناسی»، «فلسفه اخلاق»، «فلسفه حقوق» و «فلسفه سیاست» تدریس می‌گردد، که هر یک از این سرفصل‌ها به وجهی از وجوه نظام اندیشه اسلامی می‌پردازد و در صدد است که با تبیین این گزاره‌ها دانشجویان را با نظام کلی تفکر اسلامی آشنا و آگاه سازد. این دوره جایگاهی ویژه در اندیشه رهبر فرزانه انقلاب دارد، تا آنجا که ایشان در گذشته، هفت دیدار اختصاصی با دانش پژوهان طرح ولایت داشته اند، که در یکی از همین دیدارها می‌فرمایند:



(آنچه که من را به این اجتماع، به این برنامه، به این اردو و به این مجموعه‌ی علمی و آموزشی و فرهنگی [طرح ولایت] دل بسته و معتقد می‌کند، این است که در این‌جا آمیزه‌ای از علم و ایمان، از تفکر و عاطفه مشاهده می‌شود.)

(بیانات در جمع دانش پژوهان طرح ولایت مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۰)

این دوره، دوره‌ی آموزشی معرفتی است که به صورت بنیادین، مستحکم و نظام مند به ارائه تفکر اسلامی می‌پردازد.

● **بنیادین:** مبانی ترین و اساسی ترین اندیشه‌های اسلامی که سایر معارف اسلامی بر اساس این اندیشه‌های ریشه‌ای و بنیادین بنا نهاده می‌شوند.

● **مستحکم:** طرح بحث به صورت کاملاً استدلالی و مبتنی بر دلایل متقن، عقلی و نقلی و همراه با اقامه برهان و دلیل است.

● **نظام مند:** طرح ولایت یک نظام فکری هماهنگ ارائه می‌دهد که در آن به دین به صورت نظام مند پرداخته شده است.

از فواید دوره:

● بنیان سازی و تحکیم مبانی اعتقادی در قالب منظومه‌ی بنیادین اندیشه اسلامی

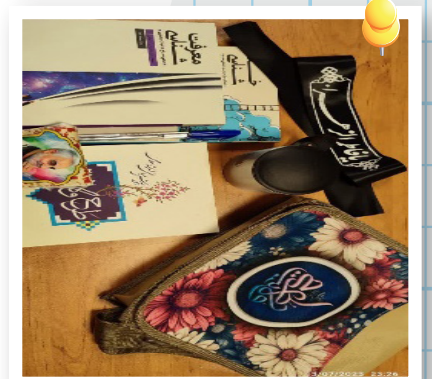
● شناخت تفکر فلسفی اسلام و فهم درست مبانی اسلامی

● آگاهی از هدف و درک موقعیت خود در مسیر رسیدن به آن هدف متعالی

● افزایش قدرت تحلیل حوادث

● تشخیص وظایف در هر شرایطی

در این طرح علاوه بر استحکام مبانی معرفتی به رشد مبانی اخلاقی و بصیرتی نیز پرداخته می‌شود که بسیار حائز اهمیت است.



کار باید تشکیلاتی باشد

۱. مجموعه تشکیلاتی، حیاتش به این است که از بالا مرتب زیر نظر باشد. یعنی یک نفر دائم به آن تشکیلات نگاه کند که این نگاه مثل نور چراغ قوه است و با چشم و نگاه اوست که مجموعه جان می‌گیرد.

۲. هر تشکیلاتی باید منسجم باشد تا مورد اعتماد قرار بگیرد. انشعاب و دو دسته شدن خطرناک است یعنی یک نفر نباید به خاطر یک فکری از مجموعه جدا شود در حالی که این فکرها ممکن است درست هم باشد؛ اما آنقدر اهمیت نداشته باشد که انسان یکپارچگی را به خاطر آن به هم بزند.

۳. در تشکیلات باید با روحیه و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد فرهنگ جهادی بود، زیرا خود انقلاب دستگاه‌هایی را به وجود آورد که در ذاتشان حرکت و جوشش انقلابی و سریع و جهادی وجود داشت.

۴. در تشکیلات باید به کمک الهی اعتماد کرد. وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است به شکل‌های مختلفی به ما می‌رسد گاهی ناگهان در ذهنمان یک چیزی برق می‌زند، می‌درخشد، راهی باز می‌شود این رزق الهی است.

۵. در تشکیلات باید مدام نفس جدید وارد کرد. یعنی کاری که ما باید بکنیم این است که اول این مجموعه را محکم نگه داریم و دوم اینکه مرتب نفس و خون جدید وارد کنیم چون یک مجموعه بسته و بدون تبدل خون و هوای آزاد، بعد از مدتی به طور طبیعی فرسوده و کهنه خواهد شد.



نهایتاً تویی که انتخاب میکنی چه مسیری بری، من بعد خوندن این کتاب فهمیدم که اگر حال بچه‌ها بده، تقصیر منه اگر نمیتون احساس احساسشون رو بکن، تقصیر منه و تصمیم گرفتم که به بچه‌ها یاد بدم احساساتشون رو بیان کنن، خود واقعشیون باشن.

🌸 از الگوها تون بگید.

اصولاً زندگی آدمهای موفق رو خیلی میخونم، از آدمای غربی تا مذهبی. از ائمه تا استیو جابز. ما باید قدرت تحلیل داشته باشیم ما به فیلم‌هایی داریم متناسب با شخصیت‌های متفاوتمون. ما برای اینکه خلاق باشیم باید هر پیشنهادی که میشنویم، از این فیلم‌ها عبور بدیم و در نهایت به ایده خودمون برسیم، هرکی هر چی می‌گه سریع اون رو قبول نکنیم، من دیدگاه همه رو میخونم و ترکیب میکنم.

🌸 وقتی صحبت از مسائل آپ میشه و نقصای این نظام رو مبینیم، گاهی پیش میاد که دانشجو معلم ما فکر میکنه که کاری ازش برنمیداد. نظر شما در این باره چیه؟

اگه فیلم تنگه ابوغریب رو دیده باشید با مفهوم خط مقدم آشنا هستین؛ ما یک کتاب داریم به اسم «معلم باید در خط مقدم باشد» معلم ما اگر خودش رو در خط مقدم ببینه خیلی راحتتر میتونه اثر بذاره. کلاس قلمرو شماسست و شما در خط مقدم هستین؛ مدیر، معاون و اداره وظیفه پشتیبانی شمارو دارند و محصول خروجی رو شما میدین بیرون. من باید این سوال رو از خودم بپرسم که چطور میتونم سر کلاس خودم این نقص‌ها رو بر طرف کنم؟ به قول حضرت آقا: «هرجا هستین اونجا رو مرکز دنیا بدوین» معلم باید کلاس خودش رو مرکز دنیا بدونه.

🌸 توصیه آخر به دانشجو معلم‌ها و معلم‌ها:

به عنوان یک معلم ممکنه ابلاغ‌های متفاوتی بهمون بدن که شاید دلخواه ما نباشه، یادمون باشه حتی اگه وسط کویر هم مارو ول کردن، اونجارو آباد کنیم.



کلاس میذاشتم اما بعد فهمیدم که این مسکنه، باید برم سراغ حال خوب دانش آموزها چون حال خوب بچه‌ها نبض کلاس منه، این بچه‌ها دست ما امانت هستند ما باید حالشون رو خوب نگه داریم.

🌸 وقتی از معلمی خسته میشین استراحتتون چیه؟

رابطه خوبی با اشتراحت ندارم، حتی اگر سفر هم برم باید تو سفر چند تا کار انجام بدم. خب آدما متفاوتن یکی حالش با نقاشی کردن خوبه، یکی حالش با آشپزی خوبه، یکی حالش با سفر کردن خوبه. من حالم با کسب و کارم خوبه. وقتی از یه جا خسته میشم، دوست دارم برم سراغ یه کار دیگه و به همین خاطر کسب و کار راه انداختم.

🌸 از عکاس بانو بگید.

اولین سال کرونا بود، حقوق کم و مجازی شدن تدریس، باعث میشد که ما خسته بشیم، با خودم گفتم من که عکاسی بلدم پس خوبه یه کسب و کار کوچیک راه بندازم. اول از گروه دوستانه شروع کردم و آموزش‌های مختلف تو صفحه اینستاگرام بعد کم کم تعداد زیاد شد و به ۴۰ هزار نفر رسید.

🌸 از روزهای کرونا بگید، علاوه بر معلمی چه کردید؟

خب روزهای سختی بود ولی نه برای منی که فعال مجازی بودم و کسب و کار خودم هم مجازی بود، ما گفتیم که بیایم تو واقعیت هم کار بکنیم و رسیدیم به گروه جهادی سیلان. سیلان یعنی حرکت آهسته و پیوسته، شبیه گدازه‌های آتشفشان که وقتی حرکت میکنه آرومه ولی تو مسیرش همه چیز رو می‌سوزونه، ما میخواستیم هر حال بدی، هر گرفتاری، و هر مشکلی بود تو مسیر بسوزه و نابود بشه.

🌸 برای حال خوب دانش آموزها تون چیکار میکنید؟

من روانشناسی خوندم، رشته واقعیت درمانی (پیشنهاد میکنم کتاب تئوری انتخاب از ویلیام گلسر رو بخونید) من بعد خوندن این کتاب فهمیدم واقعیت‌گرام. واقعیت‌گرایی می‌گه هر اتفاقی تو زندگیت میوفته مسئولش خودتی،



فرهنگ باید انسان ساز باشد

معلم مانند گار،

مصاحبه با فاطمه سلطانی، معلم، کارآفرین و فعال فرهنگی- اجتماعی

معاونت فرهنگ سازی

نویسنده: مهدیه اردی

🌸 شروع مصاحبه با خواندن یک بیت از امیر هوشنگ ابتهاج توسط خانم سلطانی:

آبی که فراسود، زمینش بخورد زود دریا شود آن رود که پیوسته روان است

گرفتم بچه هارو با ذهن قشنگ تربیت کنم که بتونن فکر کنند. دوران کارورزی تصمیم گرفتم که از بچه‌ها جلو تر باشم، اگر بچه‌های من سال ۱۴۰۰ هستند، من باید سال ۱۴۰۱ باشم به همین دلیل تصمیم گرفتم که مطالعه رشته‌های روانشناسی رو شروع کنم برای درک بیشتر بچه‌ها.

🌸 چرا به کلاس درستون محدود نشدین؟

شاید این به شخصیت من برمیگرده چون به یک شغل بسنده نمیکنم و یک بعدی نیستم من در دوران دانشجویی هم کار جهادی میکردم. من چند سال منطقه محروم بودم و مدرسه امکانات زیادی نداشت، میخواستم حال کلاس‌مو خوب کنم، گل طبیعی با خودم میاوردم و توی

🌸 چرا دانشگاه فرهنگیان رو انتخاب کردید؟

خب دبیرستانی که بودم صرفاً بخاطر اینکه مستقل بشم و پول دربیارم اومدم سمت فرهنگیان ولی ترم یک یه جمله خوندم که دیدمو عوض کرد: «اشتباه یک پزشک زیر خاک دفن میشود اما اشتباه یک معلم روی زمین راه می‌رود و جهانی را به فنا می‌کشاند اونجا بود که تصمیم

می‌توانست در مجلسی بخواند، روزش روزه بود. آن زمان که مداحی را آغاز کرد در خوردن بیشت مراقبت می‌کرد! هر غذایی نمی‌خورد، مواظب لقمه‌ی شبهه ناک بود. در حرف زدن هم دقت داشت تا مبادا به دروغ و غیبت مبتلا شود، برای همین بسم الله که می‌گفت جمعیت ناله می‌زدند و گریه می‌کردند. یادم هست شعرهایی می‌خواند که آن زمان‌ها خیلی‌ها می‌خواندند، اما خواندن جواد طور دیگری بود. همان شعرهایی که همه شنیده بودیم را جواد می‌خواند و خودش گریه می‌کرد و همه جمعیت با او هم ناله می‌شدند: قال رسول الله نور عینی حسین منی و انا من حسینی. حسین جان کربلا اگه یک لحظه بیای نگات کنم حاضرم جوونیمو فدات کنم حسین جان کربلا در وسط گونه تو را می‌زدند کاش به جای تو مرا می‌زدند حسین جان کربلا هر نوکری آرزوشه وقتی می‌خواد بمیره ارباب بی کفن بیاد دست اونو بگیره...

بخشی از وصیت نامه شهید دانشجو معلم محمد جواد اسلامی فر

ای مردم، خداوند اگر می‌خواست خود می‌توانست از کافران انتقام بگیرد و آنان را بدون زحمت شما هلاک کند اما این جنگ ایمان و کفر، برای امتحان من و شما است تا مجاهدان از منافقان تشخیص داده شوند، منافقانی که هنوز در شک و تردید هستند و برای آمدن یا کمک به جبهه همیشه عذر می‌آورند و معافی می‌خواهند، بدانید که اینان همواره در ظلمت شک و تردید خواهند مرد.

حتی راجع به اینکه چه جوری پشت میکروفن بروم از من سؤال کرد. گفتم: برو انگار سال‌ها مداح هستی، لبخند بزن و سرود را بخوان. وقتی رفت پشت میکروفن، رفقا شروع کردند به تیکه انداختن! بعضی‌ها بلند بلند گفتند: جواد چطور می‌خواهد بخواند؟ جواد با کمال جسارت و شادابی شروع کرد به خواندن، بدون هیچ گونه لکنت زبان. صدای فوق العاده زیبایی او با آن اخلاص درونی‌اش، حال خوشی به نیروها داد. بعد از آن به همراه حاج منصور نورانی برنامه‌های زیارت عاشورای صبح را می‌خواند. بعد وارد روضه شد. او بیشتر سبک‌های دیگران را تقلید می‌کرد اما مدتی بعد، دیگر برای خودش یک مداح کامل شده بود. صدای او با برادر نورایی بسیار شباهت داشت، حتی ایشان از اواسط دعای کمیل را ادامه میداد، بدون اینکه کسی متوجه شود مداح عوض شده. بعد از آن جواد، به عنوان یک مداح خوب در جبهه‌ها مطرح شد. بیشتر دوستان این سوال برایشان پیش می‌آمد: جواد لکنت زبان دارد، در صحبت‌های روزمره برای صحبت‌های روزمره برای بیان هر جمله‌ای مشکل دارد، اما چطور موقع مداحی خیلی روان و با سوز و بدون لکنت می‌خواند؟ او شور و حال عجیبی در مجلس ایجاد می‌کرد وقتی مداحی تمام میشد، می‌آمد با همه دست می‌داد و از اینکه بد خوانده عذر خواهی می‌کرد. او از زمانی که شروع کرد به خواندن، همه را تحت تاثیر قرار می‌داد. نکات دقیقی را در مداحی رعایت می‌کرد که همین عوامل باعث می‌شد مجلس او شور و حال عجیبی داشته باشد. هر زمان که



شهید اسلامی فر، الگوی معلمی

نویسنده: لیلیا غفور

جمله را بگوید، مرتب من من می‌کردو... بعدها حجت الاسلام پناهیان به منزل ما آمد و درباره مداحی جواد گفت: ما در دوران حضور رزمندگان در لبنان با هم بودیم، جواد در چادر ما بود و با هم قرائت سوره واقعه داشتیم. نزدیکی‌های میلاد آقا امام رضا(ع) به من گفت که می‌خواهم برای میلاد حضرت بخوانم. جواد گفت: چون پدرم خیلی علاقه داشت تا من مداحی کنم و اذان بگویم و زیارت نامه بخوانم. آقای پناهیان ادامه دادند: یادم هست که جواد لکنت زبان داشت، رفقا با ایشان شوخی می‌کردند که تو با این لکنت زبان حالا چی جوری می‌خواهی مداحی کنی؟ من شعری برایش آماده کردم، گذشت تا اینکه روز میلاد رسید. جواد رفت پشت تربیون، شاید برای اولین بار بود،

گوشه ای از زندگانی پر برکت شهید دانشجو معلم «محمدجواد اسلامی فر» به نقل از خواهر محترم شهید: وقتی جواد چهار ساله بود، پدرم برایش عبا خرید. او روی دوشش عبا می‌انداخت، همیشه جواد را تشویق می‌کرد تا هر میزان که بلد است مداحی کند. وقتی جواد کودک بود، داخل خانه مداحی می‌کرد و بچه‌ها در کنارش می‌نشستند. عزیز هم جاده سرش می‌نشست پای روضه خوانی جواد و گریه می‌کرد. روضه‌های جواد در عالم بچگی خیلی سوزناک بود، تقلیدی نبود، از جانش سر چشمه می‌گرفت. اما در جوانی دیگر خجالت می‌کشید بخواند! جواد مشکل لکنت زبان هم داشت، لکنت او شدیدتر از دوران کودکی شده بود، وقتی می‌خواست یک



لایزالش معلم در پرتو علم

تشویق و تنبیه، دومولفه تربیتی

نویسنده: معصومه اصلانی

معاونت علمی و فناوری

از راهکارهای تربیت موفق، استفاده درست و به موقع از ابزارهای تربیتی است، تشویق و تنبیه از ابزارهای تربیتی هستند که استفاده درست از آنها میتواند بسیار موثر باشد اما اگر به طور نادرست از آن استفاده شود، میتواند مخرب باشد و نتیجه معکوس دهد، از ویژگی‌های یک معلم توانمند و موفق، استفاده به جا از ابزارهای تربیتی است، از تنبیه باید به عنوان یک ابزار تربیتی استفاده شود، نه به عنوان یک آنتی تربیت و ضد تربیت.

معلم نقش محوری را در تربیت ایفا می‌کند و ما هر چه بتوانیم معلم را در عرصه تربیت تقویت کنیم و قدرتمندتر کنیم، خروجی تربیتی در مدارس مطلوب‌تر خواهد بود.

تنبیه کردن عبارت است از ارائه یک محرک آزاردهنده و ناخوشایند هنگام رفتار نادرست و تشویق کردن نیز عبارت است از ارائه یک محرک به منظور قدردانی و سپاس‌گذاری از دانش‌آموز بابت انجام کار درست.

تشویق و تنبیه هر دو لازمه تربیت هستند.

تشویق: اگر در زمان مناسب رعایت شود، مانند سوخت موشک عمل می‌کند و انرژی انسانی را تأمین می‌کند. تشویق باید کلامی و درونی باشد و از جمله‌های انگیزشی می‌توان بهره برد. تشویق نباید باعث شرطی شدن دانش‌آموزان شده و به خاطر این فعالیت را انجام دهند.

یکی از موارد تشویق و تنبیه در کلاس درس این است که معلم دانش‌آموزان زنگ و باهوش را به عنوان معلم یار به صورت هفتگی انتخاب کند که نوعی تشویق و دانش‌آموزان ضعیف به عنوان تنبیه باید یک تحقیق و یا تدریس برای کل کلاس انجام دهند...

دانش‌آموزان به کلاسی که بر پایه تشویق باشد، علاقمند می‌شوند؛



۴-به خاطر کارهای کوچک مورد تشویق قرار دادن؛ بهترین روش‌های تشویق، هر چند وقت یکبار و برای کارهای خاص دانش‌آموزان باشد.

هدف از تشویق مشخص باشد.

سخت کوشی و تلاش دانش‌آموزان مورد تشویق و تقویت قرار بگیرد نه نمره آن‌ها.

برای ارائه تشویق و تنبیه با اولیا و کادر مدرسه هماهنگ باشید.

در مناطق روستایی یا فقر نشین جایزه در حضور دانش‌آموزان داده نشود چرا که باعث ایجاد نوعی احساسات منفی در دیگر دانش‌آموزان می‌شود.

اثرات سوء تنبیه کردن: ۱-پرخاشگری، ۲-افسردگی، ۳-احساسات نادرست نسبت به مدرسه، معلم و درس

تشویق باید برای توانمندی و تلاش دانش‌آموز باشد. تقویت و پاداش دادن به رفتار مثبت بسیار مؤثرتر از تلاش برای حذف رفتار منفی است. تنبیه و پیامدهای منفی منجر به جنگ قدرت می‌شود و فقط بروز رفتارهای مشکل‌ساز را بدتر می‌کند.

رسیدن به پاسخ یک مسئله خودش بهترین تشویق برای دانش‌آموزان است. تا جای ممکن سعی کنیم تشویق و تنبیه ها را کم کنیم و آنها را به صورت مستقیم و بی واسطه با مسئله‌ها رو به رو کنیم.

تشویق و تنبیه بهتر است معین نباشد، یک دفعه نمره، یک دفعه شکلات و بار دیگر آفرین گفته بشود. اجازه بدهیم که محیط تربیتی سیال باشد و دچار رکود نشود. باتوجه به اولویتهای کلاسما می‌توان تشویق و تنبیه فردی و فوری نباشد. مثل اینکه در کلاس نصف نمره ها ضعیف بوده است، اما همه را مجازات کنیم. حتی خود معلم هم به این دلیل که نتوانسته است مطلب را خوب به دانش‌آموزان منتقل کند. و اینکه تشویق و تنبیه را فوری ارائه نکنیم. بگذاریم دانش‌آموزان در حالتی بین خوف و امید باقی بمانند. این کار باعث می‌شود دانش‌آموز استقلالش حفظ شود و رشد کند.

وقتی دانش‌آموز تا کار خوبی انجام می‌دهد، تشویق میشود و تا کار بدی انجام می‌دهد، تنبیه میشود، باعث میشود که این انتظار در او ایجاد شود که چون من کار خوبی کردم و دیگری آن را نکرده باید تنبیه شود. اما وقتی اینگونه نباشد، به خاطر ترس از تنبیه یا تشویق به عمل ریاکارانه یا پنهان کاری روی نمی‌آورد. به علاوه میتواند راحت با معلم خود گفت و گو کند.

نکته مهم دیگر این است که انگیزه بچه ها هر چه رشد میکنند باید درونی تر شود. اما برای شروع فرایند تربیتی در سنین پایین میشود از عادت دادن با استفاده از تشویق استفاده کرد اما باید به این مهم توجه کنیم که این یک امر موقتی است و برای شروع باید از آن استفاده کرد و در ادامه باید سبک دیگری یابد. به یاد داشته باشیم مربی و معلمی که قبل از تربیت دانش‌آموزان، خودش را تربیت کند، قدرتش برای استفاده کردن از ابزار های تربیتی به بالاترین حد می‌رسد.

اما اگر معلم در تشویق زیاده روی کند، دانش‌آموزان در برابر خانواده هم شرطی می‌شوند که خانواده باید تشویق کنند، مسئولیت بدهند، دوست و مهربان باشند.

برای تشویق دانش‌آموز خود نیازی به انجام کارهای خاص ندارید؛ دادن مسئولیت به دانش‌آموزان، استفاده از ورزش تشویقی مثل فوتبال و... همه از انواع تشویق‌های ساده و تأثیرگذار هستند.

تشویق و تنبیه در زمان و مکان مختلف متفاوت است برخی اوقات تشویق باعث می‌شود فرد در آینده، دچار خطا و اشتباه شود و در برخی اوقات، تنبیه خودش را خوب نشان می‌دهد. تنبیه: اگر معلم دارای بالاترین سطح اقتدار باشد، فقط با گرفتن نگاه و توجه نکردن و رو گرفتن می‌تواند تنبیه را به بهترین شکل ممکن و در مناسب‌ترین زمان انجام بدهد.

اگر کلاس بر پایه تنبیه دانش‌آموزان باشد، آن‌ها از درس فراری می‌شوند و از کلاس لذت نمی‌برند.

تنبیه باید به اندازه باشد و در همان لحظه صورت بگیرد.

معلم نباید دانش‌آموزان را تحقیر کند و غرور آن‌ها را خدشه‌دار کند.

اگر دانش‌آموزان خودشان تکالیف را انجام نمی‌دهند، نگفتن تکلیف یک راهکار مناسب است که می‌تواند برای دانش‌آموز یک تلنگر باشد؛ البته انجام تکالیف متنوع در کلاس درس برای عقب نماندن از درس هم نوعی تشویق و تنبیه است.

نکته دیگری که در ارائه تشویق و تنبیه حائز اهمیت است، این است که کار و فعل دانش‌آموز باید مورد توجه قرار بگیرد نه احساسات و فردیت او؛ بدین صورت که بگوییم برای این کارت تنبیه شدی، یا برای این کارت مورد تشویق قرار گرفتی.

آگاهی دانش‌آموز از دلیل تشویق و تنبیه‌اش می‌تواند در رشد وی نقش به سزایی داشته باشد.

شکل‌های نادرست تنبیه کردن: ۱-تنبیه بدنی، ۲-تحقیر و سرزنش، ۳-محرومیت، ۴-تنبیه کلامی، ۵-بی‌احساسی، ۶-تنبیه افراطی، ۷-رها کردن دانش‌آموز

تنبیه باید با چه چیزهایی همراه باشد؟

۱-باید از دانش‌آموز شناخت کامل و کافی داشته باشیم؛ دانش‌آموزان با هم فرق می‌کنند علایقشان، احساسات‌شان، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، سن و همچنین توجه به تفاوت‌های فردی

۲-دانش‌آموز باید دلیل تنبیه را بداند و ضمن تنبیه باید به رفتار دانش‌آموز اشاره کنیم نه احساسات و فردیت او

۳-قاطعیت در تنبیه؛ در اعمال تنبیه اقتدار لازم را داشته باشیم.

شیوه‌های نادرست تشویق:

۱-افراط در دادن جایزه

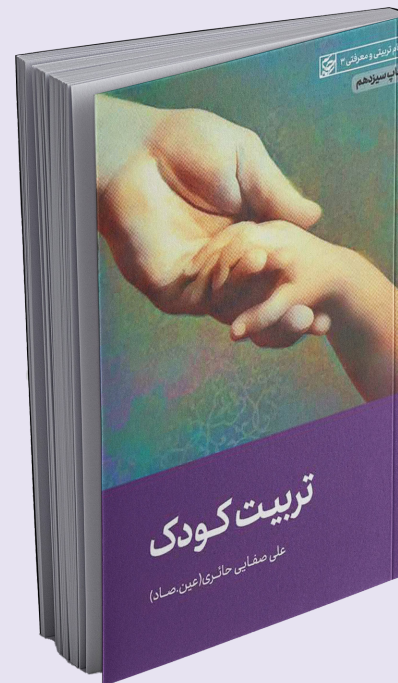
۲-عدم کنترل و مدیریت صحیح

۳-رشوه دادن که به شرطی سازی منتشر شود



یک فنجان کتاب، تربیت کودک

نویسنده: زهرا امیری



این کتاب به یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه روان‌شناسی و تربیت، یعنی بحث تربیت کودک می‌پردازد

و مؤلف توضیح می‌دهد که چه خصوصیتی باید پیش از بلوغ در انسان شکل گیرد تا تربیت و سعادت وی در زندگی تضمین شود. با توجه به اینکه هدف از خلقت انسان، رشد و حرکت است، سه ویژگی شخصیت، آزادی و تفکر باید در ایام کودکی در انسان شکل بگیرد تا انسان بتواند مسیر رشد را بیپیماید.

در این کتاب درباره روش کار مربی برای ایجاد این سه ویژگی در کودک، بحث می‌شود. خواندن این کتاب را به تمامی معلمان، مربیان، والدین و هرکسی که به نحوی با کودکان سر و کار دارد پیشنهاد می‌دهیم.

قسمتی از کتاب را با هم بخوانیم؛

چرا معلم شده‌ای؟

برادر و خواهر معلم!

در حالی که فرصت‌ها چون ابر می‌گریزند و زمان همچون کودکان پا برهنه در کوچه‌های شهر می‌دود و ما در کار تماشای «خسران» خویش، در معامله‌ای که هر ثانیه، «هستی» را با «نیستی» مبادله می‌کنیم، آیا لحظه‌ای اندیشیده‌ای؟ و با طرح چند سؤال از خویش، ابرهای بارور در گذر زمان را به «باریدن» و سیراب کردن، واداشته‌ای تا در بارش زلال آن به «رویش» و «فلاح» برسی؟ که... «که هستی»، «چه می‌کنی»، «برای که کار می‌کنی»، «چرا کار می‌کنی»، «در کجا هستی»، «به کجا می‌خواهی بروی»، «به کجا رسیده‌ای» و «به کجا رسانده‌ای؟» بگذار، صمیمانه از تو بیرسم این سؤال را که، راستی، «چرا معلم شده‌ای؟» انگیزه و نیت تو برای انتخاب این کار چه بوده است؟ آیا معلمی را به عنوان یک «شغل» همانند سایر شغل‌ها، برای کسب درآمد گزیده‌ای؟ آیا در طلب یک کار به اصطلاح بی‌دردسر و با چند ماه تعطیلی با مزد و مواجب، بوده‌ای؟ اگر چنین است، در خویش، تجدید نظر کن و مسئولیت خدایی و انسانی‌ات را به خاطر آور، که تو همانند یک کارمند اداره نیستی. تو با «انسان‌هایی» سر و

کار داری که بسیاری از مسائل «زندگی» شان را از تو می‌آموزند، اعمال و حرکات تو را الگو قرار می‌دهند، بخش عظیمی از شخصیت‌شان را «حرف‌ها» و «رفتار» «تو» می‌سازد. اگر فاسد باشی نسل‌هایی را فاسد کرده‌ای و اگر صالح باشی، نسل‌ها را اصلاح کرده‌ای.

معمولا سؤال می‌شود که در کلاس چگونه باید بود؟ در حالی که سؤال مهم‌تر این است که اساسا، چرا باید معلم بود؟ ما تا نقش انسان در هستی را درک نکرده باشیم، نقش معلم در کلاس را نخواهیم فهمید. تا چرا بودن انسان پاسخ نگیرد، چگونه بودن او جواب نخواهد گرفت.

آیا نقش تو، تعیین کننده شغل بوده است؟ چگونه میتوان از يك معلم «صبر» و «تحمل» و «فداکاری» و «از خود گذشتگی» انتظار داشت، در حالی که نداند «چرا باید صبور و ایثار گر باشد؟» و «كَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰی مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خُبْرًا؟» و چگونه صبر می‌کنی به آنچه احاطه نکرده‌ای به آن از راه دانش؟

استاد علی صفایی حائری عین-صاد

کتاب تربیت کودک، صفحه ۱۰

از نامه‌ها؛ نامه سوم:

نویسنده: مریم سارابه

سلام خانم شریف.

حتما تا الان من را فراموش کرده‌اید و وقتی این نامه به دستتان برسد شاید نام من را به خاطر نیاوردید ولی من همیشه به یاد شما هستم و هر موفقیتی که بدست بیاورم اولین نام نام شماست که در ذهنم می‌نشیند.

من شنیده‌ام که هر معلمی رسالتی دارد و آن هم هدایت دانش‌آموزان سوی زندگی بهتر و موفقیت است. همچنین جایی خوانده‌ام هر انسانی وقتی رسالت خود را انجام دهد کار خود را روی زمین انجام داده. شما سالیان قبل کار خود را انجام دادید و رسالت خود را به پایان رساندید. هرکس نداند من خوب می‌دانم و هرکس به یاد نیاورد من خوب به یاد می‌آورم. سالی که من یازده ساله بودم و کلاس پنجم و شما نیز معلم جوان ما بودید. اسفند ماه بود و در مدرسه جشن عید نوروز گرفته شده بود. هم کلاسی‌هایم با روپوش‌های صورتی و مقنعه‌های سفید در حیاط بادکنک‌های رنگی به دست گرفته بودند و کادوهایشان را به هم نشان می‌دادند. کیک بزرگ سه طبقه با رنگ‌های رنگین کمانی روی سکو بود و صدای آهنگی کودکانه در حیاط پیچیده بود. کادوی ما یک دفتر نقاشی بود با مداد رنگی‌های دوازده رنگ. هنوز هم دارمشان. آن روز من دفترم را به دست گرفته و گوشه‌ی حیاط نشسته بودم. بغض همه‌ی گلویم را گرفته بود.

من غمگین بودم و در عین حال عصبانی. این اولین بار در عمرم بود که دو احساس زشت را باهم تجربه می‌کردم. آن روز صبح با مادرم دعوا کرده بودم، پدرم بیمارستان بستری بود و برادر کوچکترم زردی گرفته بود. من دانش‌آموز کلاس پنجم مدرسه هجرت، پرونده انضباطی سنگینی داشتم با انواع مختلف مشکل‌ها. دعوا با همکلاسی‌هایم، بلند بودن و کثیف بودن ناخن‌ها، موهای شیش گرفته، نیاوردن کتاب و دفتر و خوردن خوراکی‌های غیرمجاز. هیچ دوستی نداشتم. کم کم همه از کنارم دور شدند. نه همکلاسی‌هایم را دوست داشتم، نه معلم‌ها را، نه مدرسه را و نه حتی خودم را. بیزار بودم از آن ساختمان بزرگ آجری و تابلوی "دانش آموز خوب، انسان خوب". معلم‌ها هم از من خوششان نمی‌آمد. مرتب روی مشق‌های انجام داده و نداده‌ام خط می‌کشیدند و برایم نمره‌ی صفر را می‌گذاشتند. من اما برایم مهم نبود. چه اهمیتی داشت که درس بخوانم یا نخوانم یا معلم‌ها دوستم داشته باشند یا نه! یا دوستی داشته باشم یا نه! من از خانه‌ای می‌آمدم که مادرم همیشه خسته بود و بی‌حوصله، پدری که چندین ماه بود ندیده بودمش و برادری که زیر یک لامپ زندگی می‌کرد. کسی چه می‌دانست حال من چگونه است؟ مادرم یک بار آمد مدرسه و با مدیر و ناظم صحبت کرد اما فرقی نکرد. تنها تفاوت در این بود که صفر نگرفتم اما اخم‌ها همان شکل بود که روز قبل از آمدن مادرم هم بود. چه اخم معلم‌ها چه اخم همکلاسی‌ها.

وقتی روی سکو نشسته بودم و به دفتر نقاشی که طرح رنگین کمان روی آن بود نگاه می‌کردم، داشتم فکر می‌کردم توی سطل آشغال بندازم یا پاره پاره کنم؟ تا اینکه شما آمدید.

آنجا بود که من زبان باز کردم و حال واحوالم را گفتم. گفتم که روزهایم زشت می‌گذرد و شب‌هایم زشت‌تر. گفتم که احساس خستگی تمام بدنم را گرفته و اجازه نمی‌دهد شاد باشم. گفتم که از دانش‌آموز بودن بیزارم و دست و پایم را بسته. گفتم که نمی‌خواهم اینطور ادامه بدهم و دوست دارم کسی بودم مثل یک نقاش و می‌توانستم زندگی‌مان را قشنگ‌تر نقاشی کنم. گفتم دوست داشتم در آن نقاشی که می‌کشم نمرات را به جای صفر، بیست بکشم و پدرم را به جای آنکه در بیمارستان باشد در خانه کنار خودمان مثل روزهای قبل می‌کشیدم و برادرم را به جای آنکه زیر لامپ باشد در آغوش مادرم که خوشحال و خندان است می‌کشیدم و خودم را هم دانش‌آموزی خوشحال در روزی خوب. شما اما چیزی نگفتید تنها گوش کردید تا آخرین جملاتم که همراه با اشک بود. اشک‌هایم را پاک کردید. بی‌حرف دفتر نقاشی را گرفتید و صفحه‌ی اول نقش یک گل صورتی رنگ را کشیدید که مقابلش خارهای زیادی بود. تمام صفحه را خار گرفته بود اما گل صورتی هنوز مشخص بود. بالای صفحه با مداد زرد رنگ یک خورشید بزرگ کشیدید و دفتر را به دستم دادید و گفتید "گل‌های زیبا در بین خارهای زیادی رشد می‌کنند. خارها زشتن نه؟ ولی گل هنوز قشنگه."

دفترم را امضا کردید و نمره‌ی بیست دادید. پیشانی‌ام را بوسیدید و کنارم نشستید و به بچه‌ها نگاه کردید. من دیگر نه گریه کردم نه اخم کرده بودم. بلکه به گل صورتی در میان انبوه خارها لبخند می‌زدم و شما هم با لبخند به بچه‌ها نگاه می‌کردید، انگار که شما هم دیگر خسته و بی‌حوصله نبودید. و من هم آن دانش‌آموز سابق نبودم. یک ماه بعد وقتی زمستان رفته بود و بهار به جایش نشسته بود، پدرم هم از بیمارستان برگشت، چند هفته زودتر هم برادرم دست از زندگی زیر لامپ کشید و زندگی درآغوش مادرم را انتخاب کرد. من هم شاگرد نمونه شدم و از دست شما جایزه گرفتم.

من معلم نقاشی دانش‌آموزانم هستم. قرار است نقاشی همه‌ی دانش‌آموزان را به دیوار نصب کنند و من هم در کنار همه‌ی نقاشی‌ها، نقاشی که شما برایم کشیدید را به دیوار زدم. تا همه بدانند که بهترین گل‌ها در کنار خارها رشد می‌کنند.



معلم باید در خط مقدم باشد

معاونت جهادی

جهاد یعنی پریدن از مانع‌ها

نویسنده: محدثه بازکی، ستایش احمدوند زهرا شیخی

به نام خدای مردم فلسطین

کار جهادی یعنی قدماً و قلاماً و مالاً و جاناً و اهلاً بیای تو میدون (حاج حسین یکتا)

جهاد واژه‌ای است پر معنی...

جهاد یعنی پریدن از مانع‌ها برای آبادانی و پیشرفت کشور و مقابله با دشمنان این مرز و بوم.

در واقع میدان جهاد برای معلم‌ها یک میدان عمل و تمرین هست تا با کار تربیتی آشنا شوند و بشوند معلم جهادگر. معلم جهادگر دیگر تسلیم مانع‌ها نمی‌شود و نمی‌گذارد سختی‌ها او را از تلاش کردن خسته کند.

همت و اراده او دانش آموزان این مملکت و این نسل را به خوبی تربیت می‌کند و چون میدانند اکنون جنگ جنگ اراده‌هاست و کشور جز با کار انقلابی و جهادی به مقصود خود نمی‌رسد.

به همین خاطر گرد هم آمدیم تا در این میدان عمل قدم برداریم و با اراده و عزم جدی مانع‌ها را پشت سر بگذاریم.

طرح جهاد تربیتی از سال ۹۸ و با شروع کرونا به همت دانشجو معلمان جهادگر در کل کشور با هدف پوشش دانش آموزانی که در آن زمان افت تحصیلی داشتند برگزار شد.

این طرح در شهرستان‌های استان تهران به همت دانشجو



معلمان برگزار شد و هر دانشجو معلم در نزدیک‌ترین مدرسه محل زندگی خودش به آموزش این دانش آموزان می‌پرداخت.

هدف این دوره در آن زمان آموزشی بود و در یک زمان خاص دانشجو معلمان افت تحصیلی دانش آموزان را جبران می‌کردند که البته این قضیه با توجه به اقتضائات آن زمان برگزار شد.

با توجه به هدف اصلی جهادی که نقطه زنی مقابل اهداف و کارکردهای دشمن را دارد و در حال حاضر اصلی‌ترین جنگ نرم دشمن بر تربیت است؛ مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جهاد در میدان عمل، پای کار تربیت دیده شد. از آنجایی که یک بخشی از کار معلمی آموزش هست، قسمت دیگه‌ای از کار معلمی تربیت و هدایت دانش آموزان هست. با توجه به این رسالت مهم و با توجه به ساختار سیستم آموزشی و کم‌رنگ شدن امر تربیت بر صدد آمدم که دوره چهارم طرح جهاد تربیتی را با هدف و رویکرد تربیتی و در یک منطقه اجرا کنیم و بتوانیم با برنامه ریزی هدفمند پاسخگوی نیازهای مختلف یک منطقه باشیم که به لطف خدا این امر در تابستان ۱۴۰۲ محقق شد و در منطقه جواد آباد ورامین با همکاری خوب آموزش و پرورش منطقه جواد آباد و به همت دانشجو معلمان جهادگر پردیس زینبیه این امر محقق شد.

شروع طرح در مدرسه‌ای دخترانه در بخش جواد آباد ورامین بود که با برگزاری کلاس‌های پایگاه تابستانه با توجه به تشخیص نیاز بچه‌ها به برگزاری کلاس‌هایی با رویکردی خلاق و جذاب و هدفمند مثل کلاس‌های هنری، کتاب با طعم بازی، ورزشی، خدا و خنده و زبان انجام شد که رویکردهای تربیتی هدفمند در شورا بین معلمان مطرح و چکش کاری میشد تا در حین آموزش از اهداف اصلی تربیتی باز نمانیم، و سعی کردیم در خلال کلاس و محتوایی که بر هرکدام از این کلاس‌ها چیده می‌شود مسئولیت پذیری و تلاش و عزت نفس و رعایت و اجرای عدالت را در بچه‌ها به طور عملی و گروهی با هم راهبری و تقویت کنیم. درست است که نتیجه کار فرهنگی شاید سالیان سال بعد دیده شود اما گاهی نگاهی به عملکرد دانش آموزی که با تربیتی که به جوشش نشسته و با عملی که روی زمین خرج شده؛ آتش فشان امید را در دل معلم با به ثمر نشستن اش رقم می‌زند که این با پای عمل خرج شده تربیت بچه‌ها در هیئت ریحانه النبی به زیبایی دیده شد :

دَم دَمای محرم می‌شد و به فکر هیئت ریحانه النبی شدیم واسه دخترامون، هیئت ۳ روز و ۳۱۳ ساله...

در حقیقت هدف از هیئت ریحانه النبی، تداوم آن توسط خود بچه‌ها با مسئولیت دادن مشارکتی آنها در هیئت ۳ روزه و تداوم و ماندگاری با سر پرستی خودشان بود که با جلسات و مشورت‌های پیاپی بچه‌های شورا جهاد تربیتی به این نتیجه رسیده شد محتوای عدالت که یکی از مهم‌ترین اسرار ماندگاری جهانی اباعبدالله است؛ کار شود. بنای حول محتوای اصلی هیئت، بر عدالت با ریز جزئیات چیدمان شد که روز اول با عدالت فردی و روز دوم با عدالت اجتماعی و تقسیم نذری عادلانه ساندویچ و روز سوم با پیاده سازی عملی مسئولیت پذیری بچه‌ها در شله زرد و آموزش عملی شکرگزاری در حین نوش جان کردن دانش آموزان پیشرو شد. استقبال و اشتیاق دانش آموزان و عملکرد دوستانه و صمیمانه خودشان بین رفقا که به چشم می‌خورد، نشانه‌ای از تاثیر پذیری دانش آموزان را نقش می‌بست. [تذکر بچه‌ها به یکدیگر برای برقراری عدالت بین خودشان مثل رعایت عدالت در منتخب شدن خادمان هیئت و به نوبت استفاده کردن از دمپایی‌ها در صف که مشاهده میشد، حال خوش اثر عدالت عاشورایی و عدالت محوری آینده سازان این مملکت را روز افزون میکرد.]

به پایان رسید آخرین روز از هیئت تابستانه دخترانه ریحانه النبی اما همچنان در طرح رقم زدن تداوم و رمز و رموز ماندگاری این عشق ماندگار هستیم...

روح هزار مادر بریز از غم
کو هم اگر چه خم شد ام باز محکم



برای انتشار مطالب خود در نشریه نبض حیات کافی است، مطالب خود را به همراه نام و نام خانوادگی، رشته و محل تحصیل خود برای سردبیر نشریه ارسال کنید. همچنین شما می‌توانید در شبکه‌های مجازی پردیس زینبیه جدیدترین شماره‌های نشریه را دانلود و مطالعه کنید.